



Futures Studies, Alternative History and Use of Press Archives¹

Mohammad Mahdi Mowlaei 

Assistant Professor, Department of Journalism, Faculty of Communication Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.
E-mail: mmmowlaei@atu.ac.ir

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received 28 June 2022

Received in revised form 20

July 2022

Accepted 16 September 2022

Published online 15 December
2022

Keywords:

futures studies, futurism,
alternative futures, alternative
history, press archive

In this article, the concept of "alternative history" will be introduced, which is notisable concept in the fields of history, literature and futures studies. "Alternative history" is also known as "counterfactual history", "virtual history", "echronia", etc. and is both a literary-media genre and an "alternative" way of thinking and writing. In the alternative history, by posing the questions "What if...?", it is possible to rethink the past developments. In the field of "futures studies", one of the main goals is to identify alternative futures, and practicing alternative pasts is a suitable method for training in alternative thinking. Conventional futures studies scenarios are different alternatives to get from the present to the future, and in "alternative history" different scenarios are drawn from the past to the present. The term "recasting" as one of the pillars of futuring, along with "forecasting", "backcasting" and "pastcasting", has a close concept to alternative history.

But how is this subject can be related to the history of the press? One of the appropriate sources for operationalizing this method in the fields of history and futures studies is using the press archive. That part of the press archive, especially newspapers, which is available, is a good source for knowing the path of contemporary historical events. The path of events is documented in the press archive and can be extracted. After extracting the path of the event developments from the past until now, it is possible to draw different hypothetical paths and arrive at "alternative history". In order to properly benefit from the press archive, there are considerations that I will address in this article.

Cite this article: Mowlaei, Mohammad Mahdi (2022). Futures Studies, Alternative History and Use of Press Archives. *News Science*, 11 (4), 1-20. DOI: <http://doi.org/00000000000000000000>



¹ This article was previously presented in the "First National Conference of Press History in Iran".



پښتو ښکته ځاښه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انساني



آینده‌پژوهی، تاریخ جایگزین و بهره‌گیری از آرشیو مطبوعات^۲

محمد مهدی مولایی

استادیار گروه روزنامه‌نگاری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: mmmowlaei@atu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	متن چکیده
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰	در این مقاله مفهوم «تاریخ جایگزین» معرفی خواهد شد که مورد توجه حوزه‌های تاریخ، ادبیات و آینده‌پژوهی قرار دارد. «تاریخ جایگزین» با نام‌های «تاریخ غیرواقع» ^۳ ، «تاریخ مجازی» ^۴ ، «اکرونیا» ^۵ و غیره نیز شناخته می‌شود و هم یک ژانر ادبی-رسانه‌ای و هم روشی برای تفکر و نگارش «جایگزین» است. در تاریخ جایگزین با طرح سوالات «چه می‌شد اگر...؟»، بازاندیشی در سیر تحولات پشت سر گذاشته شده ممکن می‌شود. در حوزه «آینده‌پژوهی» هم یکی از اهداف اصلی شناسایی آینده‌های جایگزین برشمرده شده و تمرین با گذشته‌های جایگزین روش مناسبی برای ورزیده‌شدن در تفکر جایگزین است. سناریوهای مرسوم آینده‌پژوهی، جایگزین‌های متفاوتی برای رسیدن از حال به آینده هستند و در «تاریخ جایگزین» هم سناریوهای متفاوتی از گذشته به حال ترسیم می‌شود. اصطلاح «تجدیدنگری» ^۶ به‌عنوان یکی از ارکان آینده‌ورزی ^۷ در کنار «پیش‌نگری» ^۸ ، «پس‌نگری» ^۹ و «گذشته‌نگری» ^{۱۰} مفهومی نزدیک به تاریخ جایگزین دارد.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۱/۲۵	اما این موضوع چگونه در ارتباط با تاریخ مطبوعات قرار می‌گیرد؟ یکی از منابع مناسب برای عملیاتی‌سازی این روش در حوزه‌های تاریخ و آینده‌پژوهی، بهره‌گیری از آرشیو مطبوعات است. آن‌بخش از آرشیو مطبوعات به‌خصوص روزنامه‌ها که در دسترس قرار دارد، منبع مناسبی برای شناخت مسیر رویدادهای تاریخی معاصر است. مسیر تحولات رویدادها معمولاً در آرشیو مطبوعات مستند شده و قابل استخراج است. پس از استخراج مسیر تحولات رویداد از گذشته تاکنون، می‌توان مسیرهای فرضی متفاوت را ترسیم کرد و به «تاریخ‌های جایگزین» رسید. برای بهره‌مندی صحیح از آرشیو مطبوعات ملاحظات و وجود دارد که در این مقاله بدان‌ها می‌پردازم.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۸	کلیدواژه‌ها: آینده‌پژوهی، آینده‌ورزی، آینده‌های جایگزین، تاریخ جایگزین، آرشیو مطبوعات
تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱/۲۵	کلیدواژه‌ها: آینده‌پژوهی، آینده‌ورزی، آینده‌های جایگزین، تاریخ جایگزین، آرشیو مطبوعات

استناد: مولایی، محمد مهدی (۱۴۰۱). آینده‌پژوهی، تاریخ جایگزین و بهره‌گیری از آرشیو مطبوعات. علوم خبری، ۱۱ (۳)، ۲۰-۱.

DOI: <http://doi.org/00000000000000000000000000000000>



^۲ این مقاله پیش از این در «نخستین همایش ملی تاریخ مطبوعات در ایران» ارائه شده است.

- 3 Alternative History
- 4 Counterfactual History
- 5 Virtual History
- 6 Uchronia
- 7 Recasting
- 8 Futuring
- 9 Forecasting
- 10 Backcasting
- 11 Pastcasting



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

آینده‌پژوهی علم و هنر کشف انواع آینده‌های پیش رو است تا بتوانیم با توجه به جمیع جهات بهترین آینده را رقم بزنیم. آینده‌پژوهی برخلاف عنوانش صرفاً به آینده نگاه نمی‌کند، بلکه آینده را از مسیر تعمق در حال و گذشته مورد توجه قرار می‌دهد. در آینده‌پژوهی از روش‌ها و تکنیک‌های پرشماری استفاده می‌شود که برخی از آنها از سایر حوزه‌های دانش برگرفته شده و برخی دیگر توسط آینده‌پژوهان برای مطالعه بهتر آینده‌ها ایجاد شده‌اند (مولایی، ۱۳۹۳). روش‌های پرشماری در آینده‌پژوهی وجود که بخش بیشتری از آنها به آینده از مسیر گذشته و حال نگاه دارند و تعداد کمتری از آنها فقط معطوف به آینده هستند. یکی از مفاهیم و روش‌های مورد توجه در آینده‌پژوهی «تاریخ جایگزین» است. «تاریخ جایگزین» با نام‌های دیگری مانند «تاریخ غیرواقع»، «تاریخ مجازی»، «اکرونیا» و غیره نیز شناخته می‌شود. تاریخ جایگزین مورد توجه حوزه‌های تاریخ، ادبیات و آینده‌پژوهی قرار دارد و هم یک ژانر ادبی-رسانه‌ای و هم روشی برای تفکر و نگارش «جایگزین» است. در این مقاله روش تاریخ جایگزین به اختصار معرفی می‌شود. سپس استفاده از آرشیو مطبوعات به عنوان یکی از منابع مناسب برای عملیاتی‌سازی تاریخ جایگزین مورد توجه قرار گرفته و درباره ملاحظات این پیوند نکاتی پیشنهادی مطرح خواهد شد.

نسبت تاریخ و آینده‌پژوهی

به عنوان پیش‌نیازی برای فهم آینده، مطالعه تاریخ همواره مورد توجه آینده‌پژوهان بوده است. از نگاه اولف پیلکان^۱، آینده‌پژوه برجسته آلمانی شناخت آینده از مسیر مطالعه گذشته می‌گذرد. او پنج اصل اساسی تحلیل آینده را بر می‌شمرد که دو مورد اول یعنی «منطق علی»^۲ و «سری‌های زمانی» جهت‌گیری‌شان در گذشته است. از نگاه او عوامل آینده که در پی شناخت آنها هستیم در پنج دسته قرار می‌گیرند: پارادایم‌ها/ثابت‌ها^۳، روندها، عدم قطعیت‌ها^۴، تناقض‌ها^۵ و آشوب/شگفتی‌سازها^۶. برای شناخت روندها یکی از منابع اصلی سری‌های زمانی هستند و در چهار مورد دیگر یکی از منابع اصلی منطق علی است (Pillkahn, 2008). بدین ترتیب بدون مطالعه نظام‌مند گذشته، عملاً شناخت مناسب از آینده امکان‌پذیر نیست.

به عنوان نمونه دیگر سهیل عنایت‌الله^۷ آینده‌پژوه پاکستانی‌الاصل اهل استرالیا در مدل شش ستون خود که مرجعی نظام‌مند برای آینده‌پژوهی است جایگاه ویژه‌ای برای تاریخ در نظر گرفته است. عنایت‌الله نخستین ستون آینده‌پژوهی و قدم اول برای درک آینده را «نگاشت»^۸ می‌نامد که عمدتاً از مطالعه تاریخی بدست می‌آید و سه روش در این ستون معرفی می‌کند که شامل «تاریخ مشترک»^۹، «مثلت آینده‌ها»^{۱۰} و «دورنمای آینده‌ها»^{۱۱} هستند. در پنج ستون دیگر هم عنایت‌الله روش‌هایی را معرفی می‌کند که برای انجام آنها مستلزم حرکت بین گذشته، حال و آینده هستیم (Inayatullah, 2008).

بندور، اریکسون و پارگمن (۲۰۲۱) با وضع دو واژه جدید برای مطالعه گذشته، حال و آینده و مشخص کردن نسبت آنها با دو واژه شناخته شده، الگوی جدیدی برای مطالعه نظام‌مند زمان ارائه کرده‌اند. آنها در کنار مفاهیم «پیش‌نگری» و «پس‌نگری»، به «تجدیدنگری» و «گذشته‌نگری» هم اشاره می‌کنند که در ارتباط با مفهوم «تاریخ جایگزین» قرار می‌گیرند.

«پیش‌نگری» و «پس‌نگری» دو اصطلاح شناخته شده و با سابقه در آینده‌پژوهی هستند. در «پیش‌نگری» از موقعیت اکنون به دنبال شناخت آینده هستیم و در «پس‌نگری» از موقعیت آینده به زمان حال می‌نگریم. «تجدیدنگری» اصطلاحی بازتعریف شده است که مفهومی نزدیک به تاریخ جایگزین دارد.

تجدیدنگری فرآیندی است که در آن رویدادهای غیرواقعی گذشته به عنوان نقاط انشعاب تاریخی مطرح می‌شوند و مسیرهای جدیدی به روی حال‌های جایگزین و در نتیجه آینده‌های جایگزین باز می‌شوند. در حالی که پیش‌نگری احتمالات آینده را عمدتاً

1 Ulf Pillkahn

2 Causal Logic

3 Paradigms/Constants

4 Uncertainty

5 Contradiction

6 Chaos/Wildcards

7 Sohail Inayatullah

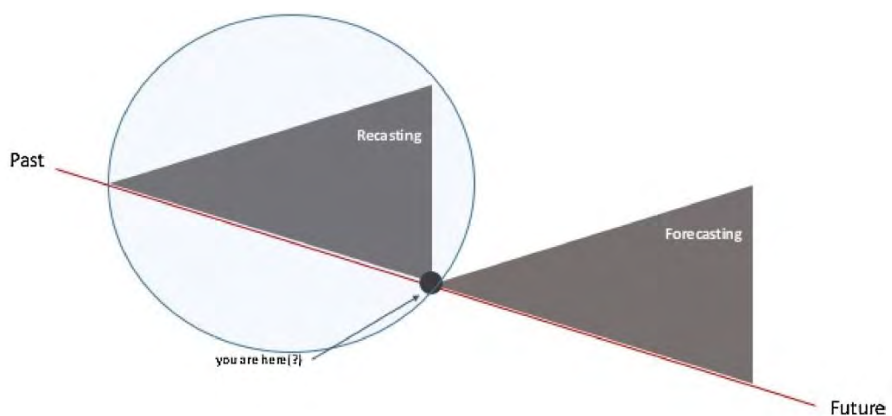
8 Mapping

9 Shared History

10 Futures Triangle

11 Futures Landscape

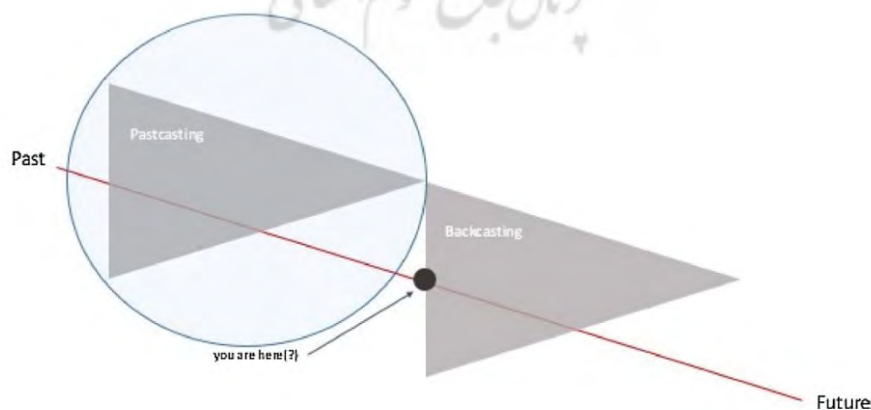
از منظر حال بررسی می‌کند، تجدیدنگری احتمالات آینده را از منظر گذشته بررسی می‌کند، یعنی شناسایی «راه‌هایی که طی نشده‌اند» و می‌توانستند حال را متحول کند. تجدیدنگری حرکتی دوگانه را در زمان نشان می‌دهد: ابتدا بازگشت به نقطه‌ای از زمان که در آن یک تغییر فرضی «اگر» معرفی می‌شود، و سپس پیامدهای احتمالی تغییر فرضی چیده می‌شود (Bendor, Eriksson, Pargman, 2021).



شکل ۱. رابطه دو مفهوم پیش‌نگری (Forecasting) و تجدیدنگری (Recasting) (Bendor, Eriksson, Pargman, 2021, 7)

اصطلاح تجدیدنگری پیش از این در متون علمی در معنای دیگری هم به کار گرفته شده است. از این اصطلاح گاهی اوقات برای توصیف فرآیند اعتبارسنجی مدل‌های شبیه‌سازی بهره گرفته شده که با مجموعه داده‌های گذشته تغذیه می‌شوند. به عبارت دیگر با مدل شبیه‌سازی شده از گذشته، زمان اکنون پیش‌بینی می‌شود و سپس نتیجه با آنچه در واقع اتفاق افتاده است مقایسه می‌شود (Bendor, Eriksson, Pargman, 2021). تجدیدنگری در مفهوم جدید آن متقارن با پیش‌نگری تعریف شده (شکل ۱) و رویکرد تاریخ جایگزین را تداعی می‌کند. استفاده از این اصطلاح جدید در حوزه آینده‌پژوهی می‌تواند بعد علمی و پژوهشی این نگاه زمان‌محور به تاریخ و حال را برجسته کند و در تفاوت با اصطلاحات پیشین قرار گیرد که بیشتر رویکرد تخیلی داشتند و از قواعد نظام‌مند چندانی بهره نمی‌بردند.

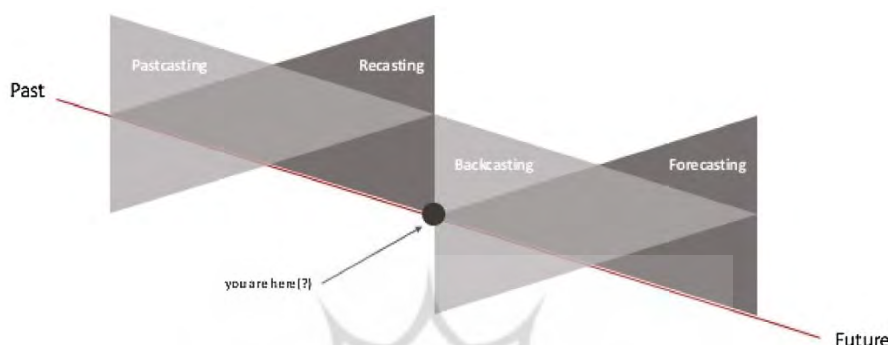
برای فهم بهتر این اصطلاح، نگاهی هم به مفهوم گذشته‌نگری می‌اندازیم که در تقارن با مفهوم پس‌نگری تعریف شده است (شکل ۲). گذشته‌نگری نشان‌دهنده فرضیه‌ای از مسیرهای ممکن است که می‌تواند یک حال جایگزین، ترجیحی و غیر واقعی را به همراه داشته باشد. هر یک از این مسیرهای ممکن نمایانگر یک نقطه انشعاب تاریخی (غیر واقعی) است که ممکن است زمان حال از آن به شکل متفاوتی تحقق یافته باشد.



شکل ۲. رابطه دو مفهوم پس‌نگری (Backcasting) و گذشته‌نگری (Pastcasting) (Bendor, Eriksson, Pargman, 2021, 8)

در حالی که پیش‌نگری و تجدیدنگری واگرا هستند، یعنی طیفی از نتایج بالقوه را از یک رویداد (یا تصمیم) در حال یا گذشته طرح می‌کنند، گذشته‌نگری از ساختار همگرای متقارن پیروی می‌کند. در پس‌نگری مسیرهای حال به آینده برای تحقق یک آینده مرجح مد نظر بود و اکنون در گذشته‌نگری از مسیرهای گذشته به یک آینده مرجح سخن گفته می‌شود (Bendor, Eriksson, Pargman, 2021).

الگوی بندور، اریکسون و پارگمن با پیشنهاد افزودن دو مفهوم جدید به دو مفهوم قدیمی صورت‌بندی جدیدی از نسبت گذشته، حال و آینده در آینده‌پژوهی مشخص کرده است. ارتباط یکپارچه این چهار رویکرد آینده‌ورزی در شکل (۳) تصویر شده است.



شکل ۳. نمایش تصویری ارتباط چهار رویکرد آینده‌ورزی با یکدیگر (Bendor, Eriksson, Pargman, 2021, 9)

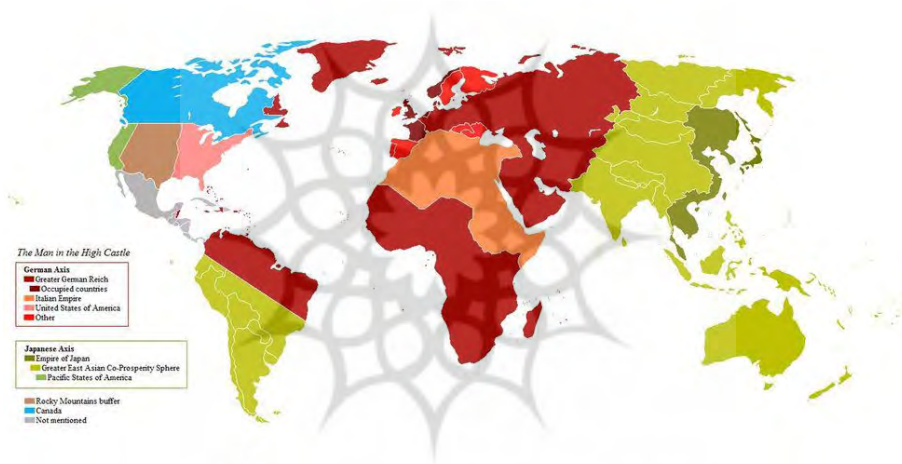
تاریخ جایگزین

در تاریخ جایگزین با طرح سوالات «چه می‌شد اگر...؟»، بازاندیشی در سیر تحولات پشت سر گذاشته شده ممکن می‌شود. در حوزه «آینده‌پژوهی» هم یکی از اهداف اصلی شناسایی آینده‌های جایگزین برشمرده شده و تمرین با گذشته‌های جایگزین روش مناسبی برای ورزیده‌شدن در تفکر جایگزین است. سناریوهای مرسوم آینده‌پژوهی، جایگزین‌های متفاوتی برای رسیدن از حال به آینده هستند و در «تاریخ جایگزین» هم سناریوهای متفاوتی از گذشته به حال ترسیم می‌شود.

در روش تاریخ جایگزین بعد متفاوتی از حوادث گذشته را تصور می‌کنیم. سپس برآیندهای این تفاوت را در جهان واقعی وارد کرده و تا آینده پیش می‌رویم. به بیان دیگر این روش تفسیر «چه می‌شد اگر»های تاریخی است. علاوه بر این در این روش تفکراتی در مورد آثار و نتایج متفاوت حاصل از این «چه می‌شد اگر»ها هم مورد توجه قرار دارد. در این روش بیشتر نقاط اساسی تاریخ را می‌چرخانیم و تفسیر متفاوتی را در زمان اکنون بدست می‌آوریم. باید توجه داشت در این تفسیرها حدس و گمان مورخ اثرگذار است. این روش را باید تمرینی برای توجه به گذشته، تحلیل برآیند رویدادها و پاسخ به پرسش چه می‌شد اگر دانست (دهقان، ۱۳۹۴).

تاریخ جایگزین پیوند قابل توجهی با ژانر علمی-تخیلی دارد (Liedl, 2015). این شیوه روایت به‌عنوان ژانری ادبی سابقه طولانی دارد و رمان‌های زیادی به این سبک نوشته شده است که به‌عنوان نمونه به دو مورد اشاره می‌شود. کتاب «ارایش آفریقا»^۱ رمانی با همین رویکرد است که تاریخی جایگزین از جنگ جهانی دوم ارائه می‌دهد. در این روایت آلمان‌ها موفق به پیروزی مقابل قوای بریتانیا شده‌اند. دو کشور پیمان عدم تجاوز امضا کرده و نازی‌ها به پیشروی در آفریقا ادامه داده‌اند. بر این اساس از سال ۱۹۵۲، آلمان و بریتانیا قاره آفریقا را بین خود تقسیم کرده‌اند.

اثر دیگر «مردی در قلعه بلند» نام دارد و رمانی منتشر شده در سال ۱۹۶۲ است.^۲ در این رمان ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۶۲ و ۱۵ سال بعد از خاتمه جنگ جهانی دوم تصویر می‌شود. در روایت ترسیم شده نیروی‌های آلمانی و ژاپنی برنده جنگ جهانی دوم شده‌اند و سایر سرزمین‌ها از جمله خاک آمریکا را بین خودشان تقسیم کرده‌اند. علاوه بر کتاب‌های رمان، پایگاه‌های اینترنتی زیادی نیز با موضوع تاریخ جایگزین فعالیت می‌کنند و مجموعه مطالب رسانه‌ای پرشماری با این رویکرد منتشر شده‌اند. این نوع مطالب با توجه به وجهه تخیلی آن برای مخاطبان عمومی جذابیت قابل توجهی دارند. با توجه به اقبال مخاطبان تاریخ جایگزین در حوزه فیلم و سریال هم مورد توجه تهیه‌کنندگان قرار گرفته است. رگه‌های از رویکرد تاریخ جایگزین در برخی آثار سینمایی تارانتینو قابل مشاهده است (Guthrie, 2019). به‌عنوان یک نمونه شاخص دیگر بر اساس رمان «مردی در قلعه بلند» که بدان اشاره شد سریالی ویران‌شهری توسط آمازون پرایم ویدئو^۳ تهیه و چهار فصل آن بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ پخش شد. بر اساس روایت سریال که از رمان اخذ شده در تاریخ جایگزین ایالات متحده آمریکا در پایان جنگ جهانی دوم به سه قسمت تقسیم شده‌است: کشور دست‌نشانده ژاپن در غرب با نام کشور پسیفیک آمریکا، کشور دست‌نشانده نازی‌های آلمان در قسمت‌های شرقی ایالات متحده و محدوده بین این دو که منطقه بی‌طرف کوه‌های راکی نام‌گذاری شده است (شکل ۴).



شکل ۴. اشغال سرزمین‌های جهان توسط دو محور نیروهای آلمانی و ژاپنی بر اساس تاریخ جایگزین تصویر شده در رمان «مردی در قلعه بلند». نواحی قرمز توسط محور آلمان نازی و نواحی سبز توسط محور ژاپن تحت نفوذ درآمده است. در این نقشه کشور فعلی ایالات متحده آمریکا به سه کشور کوچک‌تر تقسیم شده است. (منبع: ویکی‌پدیای آلمانی،^۴ ۲۰۲۳)

تاریخ جایگزین در غالب روایت‌های سیاسی جایگزین در حوزه‌های رسانه‌ای جدیدتری نیز مشاهده شده است که به‌عنوان نمونه می‌توان به مم‌های اینترنتی و بازی‌های کامپیوتری اشاره کرد (Frost, 2017). این روش همچنین دارای ارزش آموزشی قابل توجهی است و از آن در کلاس‌های درس هم استفاده می‌شود (Niefanger, 2019). در ایران هم این رویکرد به‌تازگی مورد توجه اهالی تاریخ و ادبیات قرار گرفته است. نورائی و رضایی (۱۳۹۹) در مطالعه‌شان تاریخ جایگزین را موثر در همگانی‌سازی تاریخ می‌دانند. از نگاه آنها «تاریخ جایگزین» می‌تواند در نقطه عطف‌های تاریخی، مسیرهای احتمالی و موازی رخداد‌های تاریخی را به چالش بکشد. نتایج حاصل از حادثه تغییر یافته، با به چالش کشیدن شرایط سیاسی اقتصادی دنیای کنونی، می‌تواند جهانی جایگزین و غیرواقع را تصویر کند. ایجاد جذابیت برای عامه مردم، بالابردن قدرت

1 The Man in the High Castle

۲ این کتاب با عنوان «ساکن برج بلند» توسط سمیه گنجی به فارسی ترجمه و سال ۱۴۰۱ توسط انتشارات روزنه منتشر شده است.

3 Amazon Prime Video

4 https://de.wikipedia.org/wiki/Datei:Man_In_The_High_Castle_map.PNG

5 Meme

تخیل و تعقل در درک گذشته، ارائه اشکال نوینی از واقعیت‌های اجتماعی، شکل‌دهی به تفکرات تاریخی و تقویت حافظه تاریخی، تنها بخشی از ویژگی‌های این رویکرد است.

همچنین می‌توان به نگارش رمانی فارسی با عنوان «شاه بی‌شین» اشاره کرد که با رویکرد تاریخ جایگزین نوشته شده است. این کتاب رمانی تاریخی است و حوادث زندگی محمدرضا پهلوی را از زمان پادشاهی رضاشاه تا مرگ محمدرضا با زاویه دید دوم شخص، از نگاه محمدرضا پهلوی روایت می‌کند. ایزدی و نجاریان (۱۴۰۰) در مطالعه‌شان نشان داده‌اند نویسنده با کشف نقطه انحراف از تاریخ واقعی و داشتن یک طرح مناسب، توانسته خط زمان داستان را بشکافد و روایت تاریخی تازه‌ای به وجود آورد. در این اثر جایگزینی در تاریخ به دو شیوه جایگزینی در «حوادث» و در «شخصیت» تاریخی انجام شده است.

بهره‌گیری از آرشیو مطبوعات برای تاریخ جایگزین

حال پرسش این است که تاریخ جایگزین چگونه در ارتباط با تاریخ مطبوعات قرار می‌گیرد؟ یکی از منابع مناسب برای عملیاتی‌سازی این روش در حوزه‌های تاریخ و آینده‌پژوهی، بهره‌گیری از آرشیو مطبوعات است. آن‌بخش از آرشیو مطبوعات به‌خصوص روزنامه‌ها که در دسترس قرار دارد، منبع مناسبی برای شناخت مسیر رویدادهای تاریخی معاصر است. مسیر تحولات رویدادها معمولاً در آرشیو مطبوعات مستند شده و قابل استخراج است. پس از استخراج مسیر تحولات رویداد از گذشته تاکنون، می‌توان مسیرهای فرضی متفاوت را ترسیم کرد و به «تاریخ‌های جایگزین» رسید. برای بهره‌مندی صحیح از آرشیو مطبوعات ملاحظات وجود دارد که بدان‌ها می‌پردازم.

۱- اولین مورد به لزوم توجه به رسانه‌های دیگرگونه^۱ در کنار رسانه‌های جریان اصلی^۲ مربوط می‌شود. رسانه‌های جریان اصلی شامل رسانه‌های بزرگ شامل رادیو، تلویزیون و مطبوعات هستند که توسط سازمان‌های رسانه‌ای حرفه‌ای پشتیبانی می‌شوند.

در مقابل در دوره‌های زمانی مختلف گروه‌های از مردم برای مبارزه با نابرابری به ایجاد و توسعه رسانه‌های دیگرگونه در مقابل رسانه‌های جریان اصلی روی آورده‌اند (هارکاپ، ۱۳۹۷، ص ۷۷).

رسانه دیگرگونه هرچیزی اعم از نقاشی دیواری، دیوان شعر، مجله، واژگون کردن مفاهیم در اینترنت و غیره را شامل می‌شود. البته روزنامه‌نگاری دیگرگونه را نباید به واکنش یا عکس‌العمل در برابر جریان مسلط تقلیل داد. ریشه‌های روزنامه‌نگاری دیگرگونه، قدیمی‌تر از روزنامه‌نگاری جریان اصلی تجاری است که در یک قرن گذشته به‌وجود آمده است (هارکاپ، ۱۳۹۷، ص ۲۹). در روزنامه‌نگاری دیگرگونه کنش‌های رسانه‌ای غالباً به‌صورت مشارکتی، غیرحرفه‌ای و غیرتجاری دنبال می‌شود (هارکاپ، ۱۳۹۷، ص ۲۸).

رسانه‌های دیگرگونه در مقایسه با رسانه‌های جریان اصلی بیشتر در راستای منافع عموم مردم و خیر عمومی قرار دارند (هارکاپ، ۱۳۹۷، ص ۳۱). همین نکته است که لزوم توجه به آن‌ها در رویکرد تاریخ جایگزین را اهمیت می‌بخشد. مطالعه آرشیو رسانه‌های دیگرگونه می‌تواند به فهم تکمیلی و گاه متفاوت تاریخ و آنچه گذشته کمک کند. همچنین تعریف تاریخ‌های جایگزین می‌تواند بر آمده از مسیرهایی باشد که در رسانه‌های دیگرگونه آن دوره ردپای آن‌ها قابل کشف باشد. بدین ترتیب تاریخ جایگزین می‌تواند به فهم بهتر گذشته، اکنون و آینده کمک کند و بیشتر از آنکه مبتنی بر تخیل و قضاوت نویسنده باشد، بر اساس روایت‌های جایگزین تاریخی کم‌تر دیده شده متکی شود. در این مسیر البته دشواری دسترسی به آرشیو هم نکته قابل توجهی است. چرا که دسترسی به آرشیو رسانه‌های دیگرگونه دشوارتر از دسترسی به آرشیو رسانه‌های جریان اصلی است.

۲- دومین نکته ضرورت خوانش انتقادی محتوای رسانه‌ها، چه رسانه‌های جریان اصلی و چه رسانه‌های دیگرگونه است. در ساختارهای متنی از جمله متون مطبوعاتی، عقاید و ایدئولوژی‌های نهفته متفاوتی بیان شده است (ون‌دایک، ۱۳۸۷، ص ۳۳۸). برای فهم بهتر تاریخ و ترسیم جایگزین‌های مناسب نیاز داریم این عقاید و ایدئولوژی‌های نهفته را شناسایی کنیم. برای این

۱ Alternative Media در اغلب متون فارسی به رسانه‌های جایگزین ترجمه شده است. در اینجا در خصوص رسانه‌ها و روزنامه‌نگاری برای Alternative از معادل پیشنهادی منتظرانم و محمدی یعنی «دیگرگونه» به‌جای «جایگزین» استفاده شده است. منتظرانم و محمدی استدلال می‌کنند رسانه‌هایی از این دست جایگزین رسانه‌های جریان اصلی نمی‌شوند بلکه با رویکردی انتقادی آن‌ها را به چالش می‌کشند. با این حال در ترجمه Alternative در کنار تاریخ از همان معادل مصطلح «جایگزین» بهره گرفته‌ام.

2 Mainstream Media

هدف می‌توان از روش‌های انتقادی کمک گرفت که امکان خوانش بین خطوط و توجه به بافتار در کنار متن را فراهم می‌کنند. تحلیل گفتمان انتقادی یکی از این روش‌ها است.

روش‌های متفاوتی برای تحلیل گفتمان وجود دارد. از جمله پیش‌فرض‌های مشترک همه این روش‌ها، رویکرد انتقادی به دانش بدیهی انگاشته‌شده شده است. بر این اساس دانشی که درباره جهان داریم را نباید حقیقتی عینی بدانیم. دانش و بازنمایی‌های ما از جهان بازتاب عینی واقعیت جهان خارج نیستند، بلکه محصول گفتمان هستند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹، ص ۲۳). فرکلاف گفتمان را مجموعه‌ای از سه عنصر عمل اجتماعی، عمل گفتمانی (تولید، توزیع و مصرف متن) و متن می‌داند که به هم تافته شده‌اند. در نتیجه تحلیل یک گفتمان خاص، تحلیل هر یک از این سه بعد و روابط بین آنها را نیاز دارد (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۹۷). پس در تحلیل گفتمان یک متن مطبوعاتی، تنها نباید به متن بسنده کرد. توجه به عمل گفتمانی و عمل اجتماعی می‌تواند در ترسیم مناسب‌تر تاریخ‌های جایگزین حائز اهمیت قابل توجهی باشد.

نتیجه‌گیری

با کمک تاریخ جایگزین ما می‌توانیم سناریوهای جایگزین را تصور کنیم. با آموختن از گذشته‌های جایگزین که همان سناریوهای «چه می‌شد اگر...؟» هستند، ما می‌توانیم به‌سادگی ذهن‌مان را از پیش‌فرض‌هایی که آن را محدود کرده است رها کنیم و به ایده‌های نو بیندیشیم (Eriksson and Pargman, 2018). این همان فرآیندی است که در آینده‌پژوهی بدان نیاز داریم. اندیشیدن و ارائه صورت‌بندی جدیدی از گذشته‌های جایگزین به خلق آینده‌های جایگزین و انجام بهتر آینده‌پژوهی کمک می‌کند.

به‌نظر می‌رسد مفهوم‌پردازی بندور، اریکسون و پارگمن (۲۰۲۱) در پیوند آنچه تاریخ جایگزین خوانده می‌شود با آینده‌پژوهی قدمی رو به جلو باشد. همان‌طور که دیدیم تاریخ جایگزین علاوه بر آنکه یک رویکرد تاریخی و اندیشه‌ای است، در حوزه رسانه و سرگرمی نیز به‌عنوان یک سبک مردم‌پسند مورد توجه مخاطبان عمومی قرار دارد. شاید همین تداخل مفهومی از جمله دلایل کم‌توجهی آینده‌پژوهان به این مفهوم کلیدی باشد. با مفهوم‌پردازی جدید در کنار «پیش‌نگری» و «پس‌نگری» که دو حوزه شناخته شده آینده‌پژوهی یا به‌تعبیر آنها آینده‌ورزی هستند، «تجدیدنگری» و «گذشته‌نگری» نیز به‌عنوان سبک‌های دیگر آینده‌ورزی جایگاه تعریف شده‌ای پیدا می‌کنند.

«تجدیدنگری» و «گذشته‌نگری» امکان یادگیری از تجربه گذشته برای پرهیز از تکرار اشتباهات آینده را فراهم می‌آورند (Bendor, Eriksson, Pargman, 2021). تعریف جدید از تجدیدنگری، شباهت‌های آن با رویکرد تاریخ جایگزین را روشن می‌کند. به‌تعبیری شاید بتوان تجدیدنگری را رمز ورود این رویکرد تاریخی به آینده‌پژوهی دانست که به درک بهتر تحولات زمانی در محور گذشته-حال-آینده کمک خواهد کرد و در نهایت به فهم و ساخت بهتر آینده منجر خواهد شد.

بهره‌گیری هدف‌مند از آرشیو مطبوعات می‌تواند به اجرای بهتر این فرآیند کمک قابل توجهی کند. مرور آرشیو مطبوعات می‌تواند تصویر روشنی از گذشته برای ما پدیدار کند و علاوه بر این ایده‌های قابل توجهی مطرح کند از مسیرهای جایگزین تاریخی که محقق نشده‌اند. در بهره‌مندی از آرشیو رسانه‌ها ملاحظات مطرح و لازم است علاوه بر رسانه‌های جریان اصلی به رسانه‌های دیگرگونه هم توجه کنیم. رسانه‌های جریان اصلی اغلب حاوی روایت‌های رسمی دوران‌های خود هستند و دنبال کردن مسیر گذر زمان از زاویه دید آنها نمی‌تواند جایگزین‌های قابل توجهی را برای ما پدیدار کند. در مقابل رسانه‌های دیگرگونه، منعکس‌کننده صداهای دیگرگونه دوران خود هستند که ردیابی مسیر این صداها می‌تواند تاریخ‌های جایگزین را برای ما آشکار سازد. لازم است در مواجهه با آرشیو رسانه‌های جایگزین و جریان اصلی، خوانشی انتقادی از آنها داشته باشیم. بهره‌مندی از روش‌های تحلیل متن انتقادی مانند تحلیل گفتمان انتقادی در این مسر راه‌گشا خواهد بود.

منابع

۱. ایزدی، حکیمه و محمدرضا نجاریان (۱۴۰۰). واکاوی نمودهایی از روایت تاریخ جایگزین در رمان تاریخی شاه بی‌شین. مجله فنون ادبی. دوره ۱۳، شماره ۴. صص ۳۱-۶۴. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.20088027.1400.13.4.2.7>
۲. دهقان، معصومه (۱۳۹۴). تحلیل رویدادها به روایت تاریخ جایگزین. دوفصلنامه تاریخ نگری و تاریخ نگاری، دوره ۲۵، شماره ۱۶. صص ۸۱-۱۰۴. <https://doi.org/10.22051/hph.2016.2417>
۳. فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان. گروه مترجمان: فاطمه شایسته پیران و دیگران. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
۴. مولایی، محمد مهدی (۱۳۹۳). مقایسه الگوهای سازمان‌دهی روش‌ها و تکنیک‌های آینده‌پژوهی. شیراز: نخستین کنفرانس ملی آینده پژوهی، مدیریت و توسعه. <https://civilica.com/doc/314678>
۵. نورائی، مرتضی و زهره رضایی (۱۳۹۹). تاریخ جایگزین و کارکرد آن در همگانی‌سازی تاریخ. دوفصلنامه تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، دوره ۳۰، شماره ۲۶. صص ۲۹۷-۳۲۰. <https://doi.org/10.22051/hph.2021.34449.1486>
۶. ون‌دایک، تئون ای (۱۳۸۷). مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان‌کاوی انتقادی. گروه مترجمان: پیروز ایزدی و دیگران. چاپ دوم. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
۷. هارکاپ، تونی (۱۳۹۷). روزنامه‌نگاری دیگرگونه، صداهاى دیگرگونه. ترجمه مهدی منتظر قائم و جعفر محمدی. تهران: لوگوس. یوگنسن، ماریان و لوئیز فیلیپس (۱۳۸۹). نظریه و روش در تحلیل گفتمان. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.

References

1. Bendor, R., Eriksson, E., Pargman, D (2021). Looking backward to the future: On past-facing approaches to futuring. *Futures*, 125, 102666, <https://doi.org/10.1016/j.futures.2020.102666>
2. Eriksson, E., Pargman, D. (2018). Meeting the future in the past - using counterfactual history to imagine computing futures. *LIMITS '18: Proceedings of the 2018 Workshop on Computing within Limits*, May 2018, Article No.: 5, Pages 1–8, <https://doi.org/10.1145/3232617.3232621>
3. Frost, A. (2017). Bad Future: Real-Time Alternate History. *Studies in the Fantastic*, 5, 26-46. <https://doi.org/10.1353/sif.2017.0001>
4. Guthrie, C (2019) Narratives of rupture: Tarantino's counterfactual histories and the American historical imaginary, *Rethinking History*, 23:3, 339-361, <https://doi.org/10.1080/13642529.2019.1615200>
5. Inayatullah, S. (2008), "Six pillars: futures thinking for transforming", *Foresight*, Vol. 10 No. 1, pp. 4-21. <https://doi.org/10.1108/14636680810855991>
6. Liedl, J. (2015) Tales of futures past: science fiction as a historical genre, *Rethinking History*, 19:2, 285-299, <https://doi.org/10.1080/13642529.2014.973710>
7. Niefanger, D. (2019). Alternate History. In: Paul, H. (eds) *Critical Terms in Futures Studies*. Palgrave Macmillan, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-030-28987-4_3
8. Pillkahn, Ulf (2008). *Using Trends and Scenarios as Tools for Strategy Development: Shaping the Future of Your Enterprise*. Germany: Publicis Corporate Publishing.